

موضوع: تحلیل رفتار سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها

جغرافیای فعل او کجاست؟ یعنی در کدام عوالم تصرف می کند؟ این تابع شخصیت اوست. آیا فقط در عالم حس حضور دارد و در عالم دنیا تصرف می کند یا این که این تصرف فراگیر است که غیر از عالم دنیا، عوالم دیگری را هم تحت پوشش قرار می دهد؟

در باب معصومین علیهم السلام این از مطالب دقیق است که آنها تصرفشان فقط تصرف در عالم دنیا نیست که مثل ما در عالم دنیا تصرف داریم. فعل آن ها در عوالم بالا حضور دارد. آن ها از عالم انوار تا عالم ارواح تا عالم اشباح تا عوالم متعدد دیگر تصرف دارند، یک تصرف فراگیرست. بنابراین، شناخت افقی که در آن افق معصوم تصرف می کند، در تحلیل فعل او بسیار مؤثر است. وقتی آثار فعل معصوم را می خواهیم شناسایی کنیم، باز تابع همین امر است.

تصرف معصوم

نکته دیگری که باید به آن دقت بکنیم، این است که این فعل از کجا آغاز شده است. آیا تصرف معصوم از همین دنیا آغاز می شود و موضوع این تصرف محیط اجتماعی است. تو این شرایط باید چکار بکند یا این که مقصود کاری که انجام می دهد، از عالم قبل از این دنیا شروع شده است. او با خدای خودش قبل از این عوالم و قبل از این که عالم خلقت به وجود بیاید و قبل از این که نظام خلقت شکل بگیرد، میثاق بسته است.

سرآغاز حادثه

سرآغاز این حادثه کجاست و سرانجامش کجاست؟ آیا این کاری که معصوم انجام می دهد، پایان همان نقطه حیات معصومین است؟ به عنوان مثال سیدالشهدا علیه السلام که حادثه عاشورا را به پا کرد، آیا این حادثه در عاشورا تمام شد یا تازه آغاز یک فعل است؟ شروع کار از عاشورا و سقیفه نبود و در عاشورا کار حضرت تمام نشد، بلکه از قبل از عوالم دنیا و قبل از آن که دنیا شروع شود و تا عالم برزخ و قیامت و بعد از قیامت هم ادامه دارد. یک فعلی در حوزه دنیاست و یک فعلی هم در حوزه عوالم مختلف است.

بررسی آفاق یک فعل

یک فعلی است که عمرش به درازای عمر خلقت است. تحلیل این فعل متفاوت است. ما چگونه می‌خواهیم تصور معصوم را بررسی و تحلیل کنیم. این هم یکی از پیش نیازهای ما در تحلیل فعل معصوم است که آفاق این فعل و تصرف را بشناسیم. آیا این تصرف فقط در چارچوب دنیا است یا در عوالم مختلف است.

میثاق عاشورا

اگر انسان گفت سیدالشهدا میثاق عاشورا را از عالم ذر و قبل از عالم ذر بسته، پس ماجرا از آنجا آغاز شده و تا قیامت و بعد از قیامت ظهور پیدا می‌کند. در ایام الله آثار عاشورا ظهور پیدا می‌کند. در عصر ظهور و رجعت و در روز قیامت، آثار عاشورا به چشم می‌آید. اگر عاشورا را در این وسعت ببینید، تحلیلش متفاوت خواهد بود تا این که عاشورا را منحصر به سال ۶۱ هجری بدانیم.

لایه های مختلف حادثه عاشورا

نکته سومی که باز باید به آن دقت کرد، حادثه ای است که معصوم آن را اداره می‌کند. این حادثه لایه های مختلفی دارد. یک لایه این حادثه، جنبه ولایت معصوم بر عوالم مختلف است. معصوم دارد اعمال ولایت می‌کند. از موضع ولایتی که دارد، نسبت به عوالم، از جمله عالم انسان تصرف می‌کند و به معماری آن می‌پردازد.

یک لایه عمیق تری هم حادثه عاشورا یا افعال معصومین و ابتلائات معصومین و تصرفات آنها و موضع‌گیری‌هایشان دارد و آن این است که باطن همه این افعال به ارتباط بین معصوم و خدای متعال باز می‌گردد، یعنی اصلی ترین چهره افعال معصومین و تصرفات معصومین در عوالم و ولایت آن‌ها نسبت به عوالم تولی خود آن‌ها به ولایت الهی است. خود آن‌ها در محبت الهی غرق اند. در عبودیت و بندگی غرق اند و همه آن چه انجام می‌دهند، چهره باطنی و عمیق ترین لایه رابطه عبودیت آن‌ها با خدای متعال است. در شعاع این عبودیت و بندگی است که رسالت شکل می‌گیرد و عالم را اداره و اعمال ولایت می‌کنند.

میثاق ائمه

یکی از عمیق ترین لایه هایی که ما در این تحلیل باید مورد توجه قرار بدهیم، میثاقی است که بین این عباد الهی و بندگان خدا و این عباد مکرم خدا با خدای متعال بوده است. چه میثاقی بین آن‌ها و خدا بوده و چه نوع بندگی ای داشتند؟ چه محبتی است بین آن‌ها و خدای متعال؟ در واقع آن چه در این گونه حوادث

اتفاق می افتد، نوعی ابراز عبودیت و بندگی و محبت و دلدادگی و شیفتگی نسبت به خدای متعال است و این چهره حادثه نباید مورد غفلت قرار بگیرد. به عنوان نمونه در حادثه عاشورا عمیق ترین لایه این حادثه امری است که بین سیدالشهدا و خدای متعال می گذرد.

آثار عاشورا در دنیا

شما امروز آثار عاشورای حضرت را در حال شکوفا شدن می بینید، ولی عمیق ترین لایه حادثه آن فعل نیست، بلکه ارتباط باطنی سیدالشهدا با خدای متعال است و عمیق ترین پیامد و اثر عاشورا، ضیافتی است که خدای متعال برای سیدالشهدا برپا کرده، نه شفاعت سیدالشهدا نسبت به عوالم.

عبودیت، عمیق ترین لایه عاشورا

این نکته درست است که سیدالشهدا علیه السلام از بستر عاشورا دارند دستگیری می کنند، نه فقط به ما کمک می کنند که عالم ملائکه و عالم جن و بالاتر و از همه عوالم تا پایین ترین عوالم، همه مرهون امام حسین علیه السلام هستند، ولی همه حادثه عاشورا جنبه شفاعت و دستگیری نیست، بلکه عمیق ترین لایه های این حادثه عبودیتی است که در باطن عالم دارد اتفاق می افتد و در شعاع آن بندگی و عبودیت و اخلاص نسبت به خدای متعال است.

نگاه عرفانی به عاشورا

این شفاعت از شعاع ضیافتی است که خدای متعال برای سیدالشهدا در نظر گرفته است. باید در ماجرای معصومین از این لایه باطنی حادثه که اخلاص آنها در عبودیت و بندگی آنهاست نسبت به خدای متعال، غافل نباشید. هرگاه ما فعل معصوم را تحلیل می کنیم، این چهره از فعل نباید مورد غفلت قرار بگیرد. در عین حال توجه به این چهره باطنی فعل نباید جنبه سیاسی فعل را بپوشاند. گاهی نگاه ما نگاه عرفانی به حادثه می شود.

چهره عرفانی حادثه

اصلاً نباید جنبه های تصرف معصوم را در عالم نادیده بگیریم. گاهی نگاه ما به حادثه عاشورا، نگاهی سیاسی است و آن لایه باطنی تر حادثه که چهره عرفانی حادثه است، نادیده گرفته می شود. هر دو لایه را

باید با هم مورد توجه قرار داد. بنابراین در تحلیل فعل معصومین باید همه ابعاد این فعل را با هم ببینیم تا بتوانیم این فعل را تحلیل بکنیم.

ابلیس در عاشورا

چهارمین نکته ای که در تحلیل فعل معصومین باید بر آن دقت داشت و تأکید کرد تا مورد توجه قرار بگیرد، این است که اگر معصوم علیه السلام درگیری داشته، باید به آن توجه کنیم که لایه های این درگیری چیست؟ یکی از نکاتی هم که باید مورد توجه قرار بگیرد، دشمنی است که در مقابل آن هاست. آن دشمن کیست؟ آفاق تصرف دشمن کجاست؟ اگر انسان ظرفیت دشمن را خوب شناسد، دشمنی او را خوب شناسد، نمی فهمد معصوم چه می کرد؟ اگر انسان خیال کند حداکثر امام حسین علیه السلام با یزید و ابن زیاد روبه رو بوده، هرگز نمی تواند خوب عاشورا را تحلیل کند. وقتی انسان خوب می تواند عاشورا را تحلیل کند که گستردگی فعل امام حسین علیه السلام را ببیند و عمق صف آرایی جبهه مقابل را بنگرد. یعنی ببیند روز عاشورا، ابلیس با تمام جنود تاریخی اش مقابل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ایستاد.

نقطه مقابل عاشورا

یک طرف چنین شخصیت های فوق العاده ای صف آرایی کردند. آن طرف کیست؟ ابن زیاد است. نقطه مقابل آن ها شخصیت های عادی نیستند. محور اقامه کفر و ضلالت در تاریخ اند. در روایات آمده است: «نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بُرٍّ فَمِنْ الْبِرِّ التَّوْحِيدُ وَ الصَّلَاةُ وَ الصَّيَّامُ وَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ الْعَفْوُ عَنِ الْمُسِيءِ وَ رَحْمَةُ الْفَقِيرِ وَ تَعَهُدُ الْجَارِ وَ الْإِقْرَارُ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ وَ عَدُوُّنَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ مِنْ فُرُوعِهِمْ كُلُّ قَبِيحٍ وَ فَاحِشَةٍ».[۱]

اصل خیرات

اصل همه خیرات ائمه هستند. «إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوَّلُهُ وَ أَصْلُهُ وَ فَرَعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ».[۲] همه خیر نیز به آن ها بازمی گردد. نقطه مقابلشان هم دشمنی بود که در مقابل آن هاست. یک دشمن عادی نیست. آن دشمن، ریشه همه شرارت ها و بدی هاست. همه زشتی های عالم به آن ها برمی گردد.

دشمنانی از شیاطین انس و جن

خدای متعال در قرآن می فرماید ما برای هر پیغمبری، دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. آن دشمنی که در مقابل انبیا ظهور و بروز پیدا می کند، ظرفیت تقابل و درگیری و جنگ با آن ها را دارد، و الا

اگر این ظرفیت را نداشت که میدان جنگ و معرکه درست نمی شد. چرا خدای متعال این میدان درگیری و جهاد و جنگ را بین حق و باطل فراهم کرده است؟ چه نتیجه ای در عالم دارد.

درگیری بین حق و باطل

خدای متعال درگیری بین حق و باطل را بر اساس حکمتی راه انداخته است. برای جدا شدن صفوف از هم دیگر است، برای این است که صف بندی ها در عالم اختیار مشخص بشود. اگر در میدان، درگیری و جنگی است، اگر برای وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بناست دشمنی در این نظام خلقت فرض بشود، آن دشمن باید ظرفیت تقابل و درگیری را داشته باشد. معنی ندارد موجودی که چنین ظرفیتی را ندارد، وارد میدان بشود.

پیروزی مقدس رسول الله

در پایان پیروزی با کدام یک است؟ بی تردید پیروزی با وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم است و همه بساط باطل در عالم جمع می شود. لذا آن هایی که در مقابل وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم صف آرایی کردند، شخصیت هایی هستند که سابقه هزاران ساله دارند و حاضرند کشته شوند و خون بدهند. این ها آدم های معمولی نیستند.

فعل معصوم، مکمل فعل معصوم های دیگر

این موارد به صورت حلقات یک رشته بهم پیوسته هستند. شما یک حلقه را جدا از حلقه های دیگر نمی توانید ببینید. یعنی تصرفی که وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کردند، کاملاً در ارتباط با فعل امیرالمومنین علیه السلام است و باز فعل ایشان هماهنگ با فعل فاطمه زهرا سلام الله علیها است و فعل ائمه بعد، تا وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه سنگ بناهای یک ساختمانند. ابعاد و پایه های یک بنا هستند. تحلیل این ها بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد تحلیل ممکن نیست. شما اگر بخواهید یک توجیه کاملی داشته باشید، باید همه را با هم و این حلقه ها را در یک اتصال ببینید. این فعلی که معصوم انجام می دهد، مکمل فعل معصوم قبلی و حلقه پیوند بین آن افعال و معصومین بعدی است. هم فعل های قبلی را کامل می کند و هم سنگ بنایی برای آیندگان است. بنابراین، تحلیل جامع فعل معصومین علیهم السلام تحلیلی است که مجموعه این تصرفات را به صورت حلقات یک نظام پیوسته

و صفحات یک کتاب جامع می بیند. اگر شما سنگ بنایی را بدون پایه هایش و اهداف بعدی آن ببینید، گاهی قابل تحلیل نیست.

بهره مندی ما از افعال معصومین علیهم السلام

نکته دیگر نحوه بهره مندی ما از افعال معصومین علیهم السلام است. سیدالشهدا علیه السلام در تاریخ تصرف، و عاشورا را به پا کردند. حالا ما در قبال حادثه عاشورا چه تکلیفی داریم؟ صدیقه طاهره سلام الله علیها با تمام وجود در مقابل جبهه نفاق ایستاد و این جبهه را در یک محاصره تاریخی قرار داد و بی تردید آن ها را محکوم به شکست کرد. ما چگونه می توانیم از کار این شخصیت بزرگ برخوردار شویم؟ نحوه بهره مندی ما چگونه است؟ به تعبیر دیگر، ما در قبال این فداکاری معصوم چه مسئولیتی داریم؟ سیدالشهداء علیه السلام خونس را داد و امیرالمومنین علیه السلام در مقابل جبهه باطل ایستاد، ما در قبال او چه وظیفه ای داریم؟ ما چگونه می توانیم از فعل او بهره مند شویم؟

آیا ما هم می توانیم از این سفره برخوردار شویم یا این سفره ای است که برای آنها گستراندند؟ آیا ما راهی به آنجا نداریم؟ سیدالشهدا علیه السلام می فرماید: «بِأَيِّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً». [۳] روایاتی که ناظر به مقامات اهل بیت علیهم السلام است، ناظر به عوالم مختلف آنهاست. نکته ای که بعضی از بزرگان فرمودند این است که عوالم مختلف اهل بیت علیه السلام هستند و همه ناظر به یک عالم نیست. در بعضی روایات دارد که خلقت انوار اهل بیت علیهم السلام قبل از خلقت عرش و لوح و قلم و امثال این هاست. در بعضی روایات دیگر هست که انوار آن ها در ساق عرش است. این دو روایات قابل جمع نیست، در حالی که اگر دقت کنید هر روایت ناظر به حضور و وجود آن ها در عالمی از عوالم است. آن ها اول مخلوق اند و بر اساس بعضی نقل ها سابق بر خلقت اند. آن ها در عالم امر هم حضور داشتند و بعد در همه عوالم خلقت هم حضور دارند. از عالم ارواح و اشباح تا عالم طبیعت، آیات و روایات ناظر به مقامات آن ها در عوالم مختلف است.

حضور فاطمه زهرا سلام الله علیها در عوالم خلقت

فاطمه زهرا سلام الله علیها یکی از شخصیت هایی است که در همه عوالم خلقت حضور دارد، از عالم انوار تا پایین. این روایت شریف به عنوان نمونه در کافی شریف در باب مولد النبی صلی الله علیه و آله و سلم هست. روایت را از وجود مقدس امام جواد علیه السلام نقل می کند. محمد بن سنان به امام جواد

عليه السلام عرض کرد: شیعیان شما اختلاف کردند نسبت به درجات و مقامات شما و این یک اختلافی است که وجود داشته است و بعدها هم وجود خواهد داشت. درجات معرفت انسان ها یکسان نیست، لذا به ما هم دستور به مدارا دادند. گفتند: درجات پایین تر را تحمل کنید و بیش از فهمشان برایشان باز نکنید. درجات مختلف بوده و هست و خواهد بود.

[۱]. الکافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۲۴۲، حدیث القباب...، ص ۲۳۱.

[۲]. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۱۵، زیارة جامعه لجمیع الأئمة ع...، ص ۶۰۹.

[۳]. الفجر: ۲۸، ۲۷.